

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دوازدهم، شماره بیست و چهارم (پاییز و زمستان ۱۴۰۴)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهبانندی

دبیر تحریریه:

محمدجواد نصر آزادانی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمد شیرینکار موحد

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه‌آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طیبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

- علی نهبانندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴ / دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

چاپ: گله - قم / قیمت: ۲۰۰ هزار تومان

نمایه‌شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)



مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری
جهان اسلام (ISC)



A Jurisprudential Analysis of Attributing Death to Law Enforcement Officers Based on the Narrations on Night-Time Summons

*Mostafa Akhoondi*¹

*Seyed Hadi Seyadat*²

*Sadegh Sattari*³

Abstract

This study examines the attribution of a suspect's death to law enforcement officers in light of the narrations on night-time summons from the perspective of Imami jurisprudence. The importance of this issue lies in determining the extent of the responsibility of law enforcement officials for potential harm to suspects, particularly in cases leading to death. Using a descriptive-analytical method and library research, the study proceeds in three stages: assessing the authenticity of the narrations, examining the scope of their indication, and determining their applicability to law enforcement officers. The findings show that at least one of the two narrations discussed in this regard is authentic. An examination of the scope of these narrations indicates that the night-time nature of the summons is a necessary condition for establishing the inviter's liability. Furthermore, Article 513 of the 2013 Islamic Penal Code, by adding the phrase "under suspicious circumstances," lacks sufficient precision, whereas Article 338 of the 1996 Islamic Penal Code is more consistent with the purport of the narrations. Finally, an analysis of the applicability of these narrations to law enforcement officers shows that potential obstacles—such as the legal obligation of the officer or the necessity of the offender's presence before the judicial authority—do not preclude the narrations' applicability. However, in cases where the officer acts in full compliance with his legal duties, his obligation to pay blood money may be waived, though the attribution of death to him nonetheless remains.

Keywords: night-time summons, death of the accused, law enforcement officer, legal duty, Islamic Penal Code.

-
1. Researcher, Scientific-Educational Guidance Center of Vali-Asr (AJ) Seminary School and Imam Muhammad Baqir (AS) Advanced Jurisprudence School, Qom, Iran; msaakhondi@gmail.com
 2. Senior Professor (Advanced Level) of the Qom Seminary, Qom, Iran; sh.siadat2@gmail.com
 3. Researcher, Scientific-Educational Guidance Center of Vali-Asr (AJ) Seminary School, Qom, Iran; hadihadi5675@gmail.com

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دوازدهم، شماره بیست و چهارم (پاییز و زمستان ۱۴۰۴)
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

واکاوی فقهی استناد فوت به ضابط قضایی با استفاده از روایات دعوت شبانه

مصطفی آخوندی^۱

سید هادی سیادت^۲

صادق ستاری^۳

چکیده

این پژوهش به بررسی استناد فوت به ضابط قضایی با استفاده از روایات دعوت شبانه از منظر فقه امامیه پرداخته است. اهمیت این موضوع در تعیین حدود مسئولیت ضابطان قضایی در برابر آسیب‌های احتمالی به متهمان، به‌ویژه در موارد منجر به فوت است. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، در سه مرحله به بررسی اعتبار سندی روایات، گستره دلالت آن‌ها و شمولشان نسبت به ضابط قضایی پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که حداقل یکی از دو روایت مطرح شده در این باب معتبر است. بررسی گستره دلالت این روایات مشخص کرد که شبانه بودن دعوت برای اثبات ضمان دعوت‌کننده لازم است. همچنین، ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با افزودن قید «به طور مشکوکی» از دقت لازم برخوردار نیست و ماده ۳۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ با مفاد روایات سازگاری بیشتری دارد. در نهایت، بررسی شمول روایات نسبت به ضابط قضایی نشان داد که موانع احتمالی همچون تکلیف قانونی ضابط یا لزوم حضور مجرم نزد مقام قضایی، مانع شمول روایت نمی‌شود. با این حال، در فرضی که ضابط مطابق وظایف قانونی خود عمل کند، مسئولیت پرداخت دیه ممکن است از او ساقط شود، اما استناد فوت به وی همچنان باقی خواهد بود. واژگان کلیدی: دعوت شبانه، فوت متهم، ضابط قضایی، تکلیف قانونی، قانون مجازات اسلامی.

فقه واجتهاد / واکاوی فقهی استناد فوت به ضابط قضایی...

۱. دانش‌پژوه مرکز هدایت علمی تربیتی مدرسه ولی عصر (عج) و مدرسه عالی فقهی امام محمدباقر (عج)،

قم، ایران؛ msaakhondi@gmail.com

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، قم، ایران؛ sh.siadat2@gmail.com

۳. دانش‌پژوه مرکز هدایت علمی تربیتی مدرسه ولی عصر (عج)، قم، ایران؛ hadihadi5675@gmail.com

مقدمه

اجرای قوانین و مقررات اجتماعی در هر جامعه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گاه متخلفین، در زمان اجرای قانون، دچار صدماتی بدنی می‌گردند. این صدمات ممکن است مستند به مأمور قانون یا شخص دیگری باشد یا آسیبی عادی بوده و صرفاً هم‌زمان با اقدام ضابط قضایی محقق شده باشد. این آسیب‌ها در برخی موارد می‌تواند منجر به فوت شود. بررسی راه‌های اثبات استناد فوت به ضابط قضایی، از موضوعات مهمی است که به تنظیم‌گری روابط حکومت و مردم و همچنین ساماندهی اظهارنظرهای کارشناسی در حوادث اجتماعی، کمکی شایان خواهد کرد.

علاوه بر راه‌های متعارف و مرسوم در علم فقه و حقوق برای اثبات استناد جنایت - که عبارت‌اند از اقرار، بینه و قسامه - راه دیگری وجود دارد که موجب ترتب مسئولیت می‌شود، از این راه با عنوان «مسئله دعوت شبانه» یاد می‌شود. بر این اساس هرگاه شخصی شب‌هنگام دیگری را از خانه بیرون برد و مفقود شود یا فوت کند، دعوت‌کننده ضامن دپه اوست مگر اینکه ثابت کند زنده است یا او را به منزلش بازگردانده یا دیگری او را کشته است. این مسئله که بر پایه روایتی نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام شکل گرفته است، تبدیل به فتوای مشهور فقها گشته و در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی نیز منعکس شده است. برای فهم بهتر صورت مسئله می‌توان به یک مثال فرضی توجه کرد: مأموری شب‌هنگام برای بازداشت متهمی به منزل وی مراجعه کند و در پی این اقدام، متهم در مسیر انتقال به بازداشتگاه دچار حادثه‌ای شده و جان خود را از دست بدهد. در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا فوت این فرد به ضابط قضایی مستند است؟ در حوادث اجتماعی سال‌های اخیر به‌ویژه اتفاقات سال ۱۴۰۱، برخی با استناد به روایت دعوت شبانه، مدعی استناد فوت به مأمور نیروی انتظامی شدند. (سروش محلاتی، ۱۴۰۱؛ ketabnews.com/fa/news/18155) این نوشتار فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا از منظر فقه امامیه، استناد فوت به ضابط قضایی با استفاده از روایات دعوت شبانه، صحیح است؟

این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، با پیمودن سه گام در پی یافتن پاسخی اطمینان‌بخش برای پرسش یاد شده است. در گام نخست اعتبار روایات دعوت شبانه سنجیده می‌شود؛ گام دوم به کاوش گستره دلالت این روایات و قیود مؤثر در حکم می‌پردازد و گام نهایی، شمول این روایات نسبت به استناد فوت به ضابط قضایی را مطمح نظر قرار می‌دهد، چراکه ممکن است خصوصیت ضابط قضایی یا متخلف، مانع شمول روایت نسبت به ایشان گردد. اگرچه پیرامون مسئله اصلی این نوشتار، پژوهش مستقلی صورت نگرفته؛ اما تحقیقاتی مرتبط با برخی اجزای مسئله انجام شده است که عبارت‌اند از:

دو مقاله «مسئولیت مدنی دولت از دیدگاه فقهی» اثر محمد صالحی مازندرانی و «جریان قاعده استیمان در حوزه مسئولیت دولت اسلامی» اثر قاسم محمدی، هادی شعبانی و مرتضی جمالی، از ضمانت حاکم و کارگزاران وی بحث می‌کنند و معتقدند در فرض خسارت ناشی از خطای محض در حین انجام وظیفه توسط بیت‌المال جبران می‌شود.

مقاله «مبانی فقهی تکالیف دولت در قبال مسئولیت‌های خارج از اراده» اثر حسین صابری، محسن لزگی و سید محسن جلالی، با بررسی برخی قواعد فقهی مانند: «لاضرر، قاعده الحاکم ولی الممتنع، قاعده الخراج بالضمان، قاعده لایبطل دم امرء مسلم و...» قائل شده است که تمامی این قواعد به مباحث حکومتی نیز تعمیم داده می‌شود، بنابراین بر لزوم مسئول دانستن دولت در اعمال غیرارادی تأکید دارد.

نزدیک‌ترین تحقیقات انجام شده به مسئله این نوشتار، دو اثر است: نخست، مقاله «دعوت شبانه و مسئولیت کیفری دعوت‌کننده» اثر اسماعیل آقابابایی بنی که با مناقشه در سند روایات مربوط به دعوت شبانه، ضمان را تنها در حالاتی خاص مانند «وجود لوث» ثابت می‌داند که این ادعا در مقاله حاضر مورد نقد قرار می‌گیرد.

دوم، مقاله «تأثیر چگونگی فراخواندن در ایجاد مسئولیت ناشی از دعوت شبانه» اثر حسینعلی بای که ضمن پرداخت مناسب به قیود دخیل در مسئله به بررسی تأثیر کیفیت فراخواندن در حکم به ضمان پرداخته است، لکن باتوجه به انتشار این مقاله

در سال ۱۳۹۶ و پیدایش برداشت‌های نوین از روایات دعوت شبانه در پی حوادث سال ۱۴۰۱، بازخوانی دوباره روایت و دلالت آن بر ادعاهای جدید مطرح شده ضروری است؛ اقوال، استدلال‌ها و نقدهایی که در نوشتار حاضر بررسی می‌شود، در هیچ یک از آثار یاد شده به صورت جامع، پردازش نشده است.

۱. اعتبارسنجی روایات دعوت شبانه

در تراث فقه شیعی، دو روایت پیرامون مسئله «دعوت شبانه» آمده است؛ در ادامه با نقل این دو حدیث از کتب معتبر، به اعتبارسنجی آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱. روایت عمرو بن ابی المقدام

روایت نخست، روایت عمرو بن ابی المقدام است که بر اساس آن، شخصی از خروج شبانه برادرش از منزل توسط دو فرد دیگر و بازنگشتن وی، محضر امام صادق علیه السلام شکایت نمود. حضرت در قسمتی از قضاوت خود با استناد به کلام نبی مکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كُلُّ مَنْ طَرَقَ رَجُلًا بِاللَّيْلِ، فَأَخْرَجَهُ مِنْ مَنْزِلِهِ، فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ إِلَّا أَنْ يَقِيمَ الْبَيِّنَةَ أَنَّهُ قَدْ رَدَّهُ إِلَى مَنْزِلِهِ». (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۳۱۹) «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس شب به سراغ مردی برود و او را از منزلش بیرون ببرد، ضامن آن مرد است مگر آنکه بیینه بیاورد که او را به منزلش بازگردانده است.»

سند این روایت در کتاب کافی این گونه است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ» این سند به دلیل ارسال، معتبر نیست. لکن شیخ صدوق این روایت را در کتاب شریف من لایحضره الفقیه با سند دیگری از عمرو بن ابی المقدام نقل نموده است؛ وی در مشیخه می‌نویسد: «وما كان فيه عن عمرو بن أبي المقدام فقد رویته عن محمد بن الحسن - رضی الله عنه - عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن الحكم ابن مسكين» (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۴۹۶)

در مورد وثاقت عمرو بن ابی المقدام اختلاف نظر و اختلاف عبارت وجود دارد. ابن غضائری در کتابی وی را ضعیف دانسته است (ابن غضائری، بی تا، ص ۷۳) اما علامه حلی در کتاب الخلاصه عبارت دیگری از ابن غضائری نقل کرده که نشان‌دهنده

وثاقت وی نزد ابن غضائری است. (علامه حلّی، بی تا، ص ۲۴۱) کشی در کتاب رجال خود روایتی را در مدح عمرو بن ابی المقدام نقل کرده است (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۹۰)، علامه شوشتری با تمسک به مدح کشی نسبت به ابن راوی، نقدی را متوجه وی نمی داند چراکه تضعیف ابن غضائری با توثیقش در کتاب دیگر تعارض نموده و تساقط می کند. (شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۶۰) همچنین آیت الله خوئی نیز ایشان را ثقه دانسته است. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۸۲)

راوی بعدی محمد بن الحسن بن احمد بن الولید است که در کتب مختلف رجالی توثیق شده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۷، ص ۴۳۹) همچنین محمد بن الحسن الصفار، توسط نجاشی و علامه حلّی توثیق شده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۵۴؛ علامه حلّی، ۱۴۰۲، ص ۱۵۷) و از جناب محمد بن الحسین بن ابی الخطاب نیز به عنوان راوی جلیل القدر و موثق یاد شده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۴؛ علامه حلّی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۱)

آخرین راوی حکم بن مسکین ثقفی است که توثیق خاص ندارد لکن با استفاده از توثیقات عام می توان وثاقتش را ثابت نمود؛ روایت ابن ابی عمیر از وی نشان دهنده وثاقت او است. (شیخ طوسی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۵۴؛ شیخ عبدالله مامقانی، ج ۲، ص ۲۶۳)

با بررسی صورت گرفته روشن شد که سلسله راویان حدیث از طریق شیخ صدوق ثقه هستند و روایت معتبر است، از این رو است که بزرگانی چون آیت الله خوئی از این روایت تعبیر به صحیح یا معتبره می کنند. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۴۲، ص ۲۴۳ و ص ۱۲)

۲-۱. روایت عبدالله بن میمون

روایت دوم، روایت عبدالله بن میمون است: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «إِذَا دَعَا الرَّجُلُ أَخَاهُ بِلَيْلٍ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهِ» (شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۲۲۲)

امام صادق عليه السلام فرمود: «آن زمان که مردی برادرش را در شب بطلبد، ضامن اوست تا آنکه او به خانه اش بازگردد.»

نجاشی عبدالله بن میمون را توثیق نموده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۱۳) ولی نسبت به جعفر بن محمد اختلاف نظر وجود دارد، محتمل است وی، «جعفر بن محمد بن عبیدالله» باشد یا «جعفر بن محمد الاشعری»؛ آیت الله خوئی این دو راوی را یک نفر دانسته لکن تصریحی به وثاقتش نکرده است. برخی تلاش نموده اند با تمسک به توثیقات عام مانند حضور وی در اسناد کامل الزیارات وثاقتش را ثابت نمایند. باتوجه به محل اختلاف بودن وثاقت سلسله راویان کتاب شریف کامل الزیارات، تصحیح سند این روایت مشکل است.

برخی نویسندگان سند هر دو روایت را ضعیف دانسته اند و به حکم مذکور و ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی که بر اساس این حکم است اشکال نموده اند. (آقابابایی بنی، اسماعیل، زمستان ۱۳۹۲، ص ۲۸) به نظر می رسد این اشکال وارد نیست، زیرا روایت عمرو بن ابی المقدم بر اساس توثیقات عام معتبر است. علاوه بر این در صوت عدم پذیرش اعتبار سند نیز، عمل مشهور فقها به این دو روایت، می تواند ضعف سند را جبران کند. (حسینی عاملی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۸۴ و ر.ک: صاحب جواهر، بی تا، ج ۴۳، ص ۷۹) بنابراین اگر شهرت عملی را جابر ضعف سند بدانیم، روایت دوم نیز قابل استناد است و اگر این مبنا را نپذیریم، حداقل روایت اول معتبر است و عمل به آن لازم است. باتوجه به قرابت مضمونی دو روایت، پذیرش یکی از دو روایت یا هر دو، تفاوتی در حکم مورد بحث در این نوشتار ایجاد نمی کند. علاوه بر این، بر اساس تتبع نگارنده، اختلاف فتوایی ناشی از پذیرش یک روایت و عدم پذیرش دیگری در کلام فقها مشاهده نشد.

۲. گستره دلالت روایات دعوت شبانه

ظاهر روایات به حالتی اشاره دارد که مردی شبانه دعوت می شود و او را از منزل خارج می کنند، اما باز نمی گردد. از میان قیدهای موجود در روایات، برخی قطعاً دخالت در حکم ندارند؛ مانند قید «رجل» یا «اخاه». زیرا این مسئله به گونه ای نیست که در نگاه عرفی میان مرد و زن تفاوتی وجود داشته باشد، چه از جهت دعوت کننده و چه از جهت دعوت شونده (حسینی عاملی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۸۴؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۷۶). برخی قیود قطعاً دخیل در حکم هستند مانند «اخراج» و

«بردن مستند به دعوت کننده» است. در مورد برخی قیود یا حالات نیز اختلاف نظر وجود دارد که از میان آن‌ها، آنچه دخالت در پرسش این مقاله دارد، در ادامه بررسی می‌شود.

۱-۲. قید شبانه

در هر دو روایت، فراخواندن مقید به لفظ «لیل» است. سؤال این است که آیا شبانه بودن دعوت خصوصیت دارد و در نتیجه حکم ضمان شامل دعوت در روز نمی‌گردد؟ در پاسخ به این سؤال، انظاری مطرح شده است:

۱. فتوای مشهور فقیهان، دخالت قید «شبانه» در حکم است. ایشان بر این باورند از آنجاکه حکم ضمان در روایت برخلاف اصل است و اصل اولیه بر عدم ضمان افراد دلالت دارد، باید به مقدار یقینی بسنده کرد؛ بنابراین مطابق متن روایت، شبانه بودن دعوت در ثبوت حکم دخالت دارد. (ر.ک: شهید اول، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۳۴۴؛ علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۵۶؛ حسینی عاملی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۸۶-۲۸۴). صاحب جواهر در این زمینه می‌نویسد: «حکم (ضمان) اختصاص به شب دارد، چراکه نصوص و فتاوی‌ای اصحاب مقید به این قید است. دلیل این امر، مخالفت حکم با اصل بوده و به همین علت باید به قدر متیقن بسنده کرد.» (صاحب جواهر، بی تا، ج ۴۳، ص ۸۲).

۲. مرحوم سبزواری بر این باور است که قید «شبانه» هیچ خصوصیتی ندارد؛ زیرا بر اساس مفاد این روایت، استیلای بر نفس محترمه - مانند وضع ید بر مال محترم - یکی از موجبات ضمان محسوب می‌شود؛ بنابراین قاعده ید، مختص به اموال نیست و با استیلای بر نفس محترمه نیز جاری می‌شود. بر این اساس، قید «شبانه» صرفاً برای بیان مورد غالب ذکر شده است و نقشی در حکم ندارد. (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۱۲۴)

۳. آیت‌الله سبحانی نیز با بیانی متفاوت، قید «شبانه» را فاقد خصوصیت دانسته‌اند. ایشان می‌فرمایند: «اینکه در روایت کلمه «لیل» آمده، ظاهراً کلمه «لیل» دخالتی در حکم ندارد، بلکه این نوع قیود مربوط به شرایط زمان و مکان است. در آن زمان معمولاً افراد را شب‌ها می‌ربودند، زیرا سبک زندگی آن دوران با زندگی امروز تفاوت بسیاری داشت. در آن دوره، اگر کسی را می‌ربودند، این کار معمولاً در شب

انجام می‌شد، چراکه در روز امکان‌پذیر نبود؛ زیرا جامعه پیوستگی اجتماعی بیشتری داشت. حال که جوامع بزرگ شده‌اند، ظاهراً لیل و نهار تفاوت چندانی ندارند.»

(جعفر سبحانی، ۱۳۹۱، <http://eshia.ir/Feqh/Archive/text/sobhani/feqh/90/910220>)

اگرچه استفاده از کلمات «ظاهراً» و «چندان تفاوتی» نشان‌دهنده قطعی نبودن این نظر است و ممکن است تنها در بحث علمی و استدلالی احتمال الغای خصوصیت را مطرح نموده باشند؛ اما بررسی بیشتر نشان‌دهنده پذیرش این احتمال و التزام به آن در مقام افتاء است. ملاحظه استفتای زیر، ادعای مذکور را ثابت می‌کند.

سؤال: شخصی با سوابق مخوف، راننده‌ای را به خارج از شهر برده است پس از مدتی جسد راننده در رودخانه‌ای پیدا می‌شود و طبق نظر پزشکی قانونی علت مرگ، خفگی به دنبال نزاع تشخیص داده شده است؛ ولی این فرد تنها به سرقت اتومبیل اعتراف کرده است، ولی از قتل خود را بری دانسته، آیا ولی دم می‌تواند اجرای قسامه نماید؟

«باسمه تعالی: در فرض مسئله فقط باید دیه مقتول را بپردازند. در روایت هست «کل من طرق رجلا باللیل فأخرجه من منزله فهو له ضامن» و اما قسامه و قصاص مورد اختلاف است. والله العالم» (سبحانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۳۹) باتوجه به اینکه در سؤال به شبانه بودن فرایند هیچ اشاره‌ای نشده است، الغای خصوصیت از این قید در فتوای ایشان روشن است.

۴. آقای سروش محلاتی در تطبیق روایت، بر حوادث سال ۱۴۰۱ می‌نویسد: «بر اساس این قاعده، اگر فردی را به‌زور ببرند و اجازه همراهی خانواده‌اش را هم ندهند و همه دقایق زندگی او در زمان غیبت، کاملاً روشن و بدون ابهام نباشد، مسئولیت جان او با کسانی است که او را برده‌اند، آنها «متهم» هستند و باید براءت خود را اثبات کنند و در این مورد، «اصل بر براءت» نیست.» (سروش محلاتی؛ ۱۴۰۱، ketabnews.com/fa/news/18155) به نظر می‌رسد ایشان از لفظ «شبانه» در روایت، مبهم بودن فرایند را استفاده نموده‌اند و لازمه روشن نبودن وضعیت فرد در زمان غیبت را، اتهام دعوت‌کننده دانسته‌اند.

قبل از داوری میان انظار، لازم است نسبت روایات دعوت شبانه با سایر ادله باب

قصاص و دیه بررسی شود. اثبات ضمان در این روایات نه از راه اقرار است و نه از راه بینه. ممکن است ادعا شود که با توجه به قرار گرفتن دعوت کننده در موضع تهمت، روایات ذیل «لوث و قسامه» قرار می گیرد و تخصیصی نسبت به حکم قسامه خواهد بود؛ چراکه فقها در بحث لوث و قسامه معتقدند در مواردی که جنایتی بر نفس رخ داده است و موضع تهمت در میان باشد، اولیای دم با ادای سوگند می توانند دیه یا قصاص فرد متهم را مطالبه کنند. (علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۱۱-۳۱۲؛ ر.ک: صاحب جواهر، بی تا، ج ۴۲، ص ۲۲۷-۲۲۶؛ امام خمینی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۰۹) اما در مورد دعوت شبانه با خصوصیات مذکور، حکم ضمان، بدون ادای سوگند ثابت است؛ بنابراین ادعا می شود روایات دعوت شبانه، مخصص روایات لوث و قسامه است.

به نظر می رسد این ادعا صحیح نباشد؛ زیرا صرف شبانه بودن دعوت و عدم بازگشت فرد نمی تواند به عنوان اماره ای برای تحقق لوث تلقی شود. لوث در نظر فقها عبارت است از اماره ای که با وجود آن، ظن غالب به صدق ادعای مدعی حاصل می شود. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۰۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۰۸؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۰۷) مانند یک شاهد عادل یا مشاهده شخصی با سلاحی خونی در کنار مقتول آغشته به خون. (شهید اول، ۱۴۳۰، ج ۱۳، ص ۳۳۵) روشن است که شبانه بودن دعوت، چنین گمانی حاصل نمی کند. شاهد دیگر بر این امر آن است که ابن ادریس - که به دلیل عدم پذیرش حجیت خبر واحد، این روایات را کنار گذاشته و قائل به رجوع به مقتضای ادله شده است - تصریح می کند که صرف شبانه بودن برای اثبات لوث کافی نیست، بلکه عواملی مانند دشمنی و خصومت پیشین نیز برای تحقق احکام قسامه لازم است. (ابن ادریس، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۶۴) از طرف دیگر، برخی فقها مانند محقق حلی تصریح نموده اند که سبب ضمان در این روایات، تهمت نبوده؛ بلکه اخراج شبانه از منزل و عدم بازگشت است. (محقق حلی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۰۸)

بنابراین، اثبات ضمان در روایات دعوت شبانه از راه های متعارف یعنی اقرار، بینه، لوث و قسامه نبوده و بیانگر یک حکم اختصاصی خلاف قواعد است. از این رو لازم است به قدر متیقن آن اکتفا شود و الغای خصوصیت از قیود آن، نیازمند ادله قطعی یا حداقل اطمینانی است.

۱۱۵ با توجه به مطلب پیش گفته، پذیرش نظر سوم از انظار چهارگانه، محل اشکال

خواهد بود. زیرا قطع یا اطمینان به عدم خصوصیت قید شبانه در زمان حاضر حاصل نمی‌شود؛ چراکه امروزه نیز تفاوت قابل توجهی از حیث امنیت و میزان اختفای در شب و روز وجود دارد. دیدگاه مرحوم سبزواری نیز - شمول قاعده ید نسبت به نفوس محترمه - حکمی مخالف اجماع فقها است (ر.ک: کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ج ۲۱، ص ۹) که فاقد ادله اثبات‌کننده است و استناد به روایات دعوت شبانه برای تعمیم قاعده ید به نفوس، صحیح نیست؛ زیرا روایات صراحتی در این معنا ندارد. در نهایت، دیدگاه آقای سروش محلاتی با اشکالاتی مواجه است؛ اگر ایشان روایت را مطابق قواعد باب قصاص و دیات می‌داند، پس می‌بایست به جهت وجود تهمت و لوث، حکم با قسامه ثابت می‌شد درحالی‌که روایت ضمان را به طور مطلق ثابت نموده است؛ اما اگر روایت را خلاف قواعد می‌داند، تعدی از قید شبانه در روایت و تبدیل آن به «مبهم بودن فرایند» وجهی ندارد، چرا که تنقیح مناط یا الغای خصوصیت باید قطعی یا اطمینانی باشد. علاوه بر این، تطبیق این روایت بر حادثه سال ۱۴۰۱ مخدوش است چراکه قید خروج از منزل (اقامتگاه) - که در روایت آمده - در جریان دستگیری در خیابان وجود نداشته است.

بنا بر مباحث پیش گفته، روشن شد که معتبر دانستن شبانه بودن دعوت مطابق دیدگاه اول (مشهور) لازم است.

۲-۲. حالات مختلف «عدم بازگشت دعوت شونده»

پیرامون عدم بازگشت فرد به منزل پس از خروج، فقها مسئله را به سه حالت کلی تقسیم کرده (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۴۶) و برای هر یک، حکمی جداگانه بیان نموده‌اند:

۱. فرد یافت نشود و هیچ اطلاعی از او در دسترس نباشد.
۲. فرد به گونه‌ای یافت شود که شواهدی دال بر قتل او وجود داشته باشد.
۳. فرد به گونه‌ای یافت شود که نشانه‌هایی از مرگ طبیعی در او مشاهده شود.

در ادامه حکم هر حالت بررسی می‌شود.

۲-۲-۱. فقدان فرد

بررسی آرای فقها نشان می‌دهد که در حالت نخست، مشهور فقها دعوت‌کننده را

ضامن دانسته و حکم به وجوب پرداخت دیه از سوی وی نموده‌اند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۵۶؛ علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۵۵؛ تبریزی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۷۸) در مقابل، شهید ثانی حکم به عدم ضمان نموده است. از نظر وی، تنها در حالتی که فرد، کشته یافت شود دعوت‌کننده ملزم به پرداخت دیه خواهد بود. (شهید ثانی، بی تا، ج ۲، ص ۴۲۱) این فتوای شهید ثانی ناشی از ضعیف دانستن سند روایات و لزوم اخذ به قدر متیقن است. اما با تصحیح سند حداقل یکی از دو روایت - چنان‌که گذشت - حکم مشهور به وجوب پرداخت دیه ثابت است و لازمه این حکم اثبات استناد فقدان فرد به دعوت‌کننده است.

۲-۲-۲. یافت شدن فرد با نشانه‌هایی از قتل

در حالتی که فرد با شواهدی دال بر وقوع قتل یافت شود، فقیهان بر این باورند که اگر دعوت‌کننده نتواند بینه‌ای مبنی بر برائت خود یا اثبات قاتل بودن شخص دیگری ارائه کند، ضامن خواهد بود. با این حال، در نحوه ضمانت میان ایشان اختلاف نظر وجود دارد. شیخ طوسی حکم به قصاص داده است، (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۵۶) در حالی که مشهور فقها به پرداخت دیه ملتزم شده‌اند، (امام خمینی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۶۸؛ صاحب جواهر، بی تا، ج ۴۳، ص ۸۱) مگر آنکه لوث وجود داشته باشد که در این صورت، با قسم اولیای دم، حکم به قصاص صادر خواهد شد. (علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۵۵) فارغ از اثبات قصاص یا دیه، مدلول التزامی حکم ضمان، اثبات استناد قتل به دعوت‌کننده است.

۲-۲-۳. یافت شدن فرد با نشانه‌هایی از مرگ طبیعی

در حالتی که فرد با شواهدی دال بر مرگ طبیعی یافت شود، میان اندیشمندان فقه اختلاف نظر وجود دارد. آیت‌الله خویی معتقد است اگر «احتمال استناد مرگ به دعوت‌کننده» وجود داشته باشد، ضمانت ثابت خواهد بود؛ زیرا اطلاق روایت شامل این فرض می‌شود. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۴۲، ص ۲۹۵) از این رو، در فرض علم به وقوع مرگ بر اثر حمله حیوانات درنده، دعوت‌کننده ضامن نیست چراکه روایت از این فرض انصراف دارد. در مقابل آیت‌الله مدنی کاشانی معتقد است ضمانت در فرض «استناد

مرگ به خروج از منزل» ثابت است حتی اگر علم به استناد فوت به غیر دعوت‌کننده داشته باشیم، بنابراین حتی اگر فرد پس از خروج از منزل بر اثر حمله حیوانات درنده فوت کند، دعوت‌کننده ضامن است (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸، ص ۷۹). به نظر می‌رسد فتوای ایشان ناشی از این است که در روایات، غایت ضمان، بازگشت به منزل یا اقامه بینه بر آن دانسته شده و ملاک ضمان، مرگ مستند به خروج از منزل است.

قضاوت میان استظهار آیت‌الله خویی و آیت‌الله مدنی کاشانی به مقتضای دلالت لفظی روایت، دشوار است. آیت‌الله خویی ملاک ضمان را «استناد مرگ به مخرج» و آیت‌الله مدنی کاشانی معیار را «استناد مرگ به خروج» دانسته است. با توجه به اینکه در ملاک اول، استناد به خروج نیز به صورت ضمنی وجود دارد، نسبت این دو ملاک، اقل و اکثر خواهد بود. نظر به دشوار بودن تشخیص معیار در روایت با استظهار لفظی (اجمال روایت)، در صورت شک باید به مقدار اقل (استناد مرگ به مخرج) بسنده نمود و در سایر موارد به اصل برائت از ضمان رجوع کرد، بنابراین در فرض شک نیز فتوای آیت‌الله خویی تثبیت می‌شود؛ نتیجه اینکه در فرض احتمال استناد مرگ به دعوت‌کننده، ضمان و استناد مرگ به وی - هرچند به صورت تبعیدی - ثابت است.

از مجموع مباحث پیرامون گستره دلالت روایات دعوت شبانه روشن شد که در فرض فقدان دعوت شده، یافت شدنش با نشانه‌هایی از قتل و یافت شدنش با نشانه‌هایی از مرگ طبیعی، استناد فوت به دعوت‌کننده ثابت است، مشروط بر اینکه علم به استناد فوت به غیر دعوت‌کننده وجود نداشته باشد. همچنین مشخص شد که شبانه بودن فرایند در استناد فوت به دعوت‌کننده معتبر است.

پس از این جمع‌بندی اشاره‌ای به ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ - که مستند به روایات دعوت شبانه است - مفید به نظر می‌رسد. در این ماده چنین آمده است: «هرگاه شخصی را که شبانه و به طور مشکوکی از محل اقامتش فراخوانده و بیرون برده‌اند، مفقود شود، دعوت‌کننده، ضامن دیه اوست، مگر اینکه ثابت کند که دعوت‌شده زنده است، یا اگر فوت کرده، به مرگ عادی یا علل قهری بوده که ارتباطی به او نداشته است، یا اگر کشته شده، دیگری او را به قتل رسانده

است. این حکم در مورد کسی که با حيله یا تهديد یا هر طريق ديگري، کسی را برآيد و آن شخص مفقود گردد نیز جاری است.»

این ماده قانونی، در کنار قید «شبانه»، قید «به طور مشکوکی» را نیز افزوده است که با توجه به مطالب پیش گفته صحیح به نظر نمی‌رسد؛ بنابراین ماده ۳۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که فاقد این قید است با دقت بیشتری نگاشته شده است. در این ماده آمده است: «هرگاه شخصی را که شبانه از منزلش خوانده و بیرون برده‌اند، مفقود شود، دعوت‌کننده ضامن ديه اوست، مگر اینکه ثابت کند که دیگری او را کشته است؛ و نیز اگر ثابت شود که به مرگ عادی یا علل قهري در گذشته، چیزی برعهده دعوت‌کننده نیست.»

۳. شمول روایات نسبت به استناد فوت به ضابط قضایی

با مشخص شدن گستره شمول روایات دعوت شبانه این سؤال مطرح می‌شود که آیا فراخواندن و بردن مجرم توسط ضابط قضایی دارای ویژگی خاصی است که مانع شمول روایات نسبت به این فرض گردد یا خیر؟ زیرا اقدام ضابط قضایی نه بر اساس انتخاب و اراده شخصی، بلکه بر مبنای تکلیف قانونی صورت می‌گیرد و حضور فرد در محل موردنظر، مانند حضور نزد مقام قضایی، امری واجب و تکلیفی الزامی برای او است. در ادامه مانعیت این دو امر برای استناد فوت به ضابط قضایی بررسی می‌شود.

۳-۱. احتمال مانعیت تکلیف قانونی ضابط قضایی

علامه حلی ذیل مسئله دعوت شبانه می‌نویسد: «و لایضمن المستأجر و لا المرسل» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۶۵۳) کاشف اللثام در شرح این عبارت می‌نویسد: «کسی که فرد را برای دیگری، اجیر کند، ضامن نیست اگر چه این اجاره شب‌هنگام باشد» و «همچنین کسی که از جانب دیگری فرد را شبانه برای انجام کاری بفرستد، ضامن نیست.» (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۵۴) ممکن است از این دو فرع برای اثبات عدم ضمان ضابط قضایی استفاده گردد، چراکه ضابط قضایی دستگیری و انتقال مجرم را به غرض شخصی انجام نداده؛ بلکه در راستای انجام تکلیف قانونی و برای دیگری (حکومت) اقدام نموده است، از این رو روایات دعوت شبانه شامل وی نمی‌شود.

در پاسخ از این استدلال باید گفت که در فرع اول، حکم عدم ضمان در صورت اجیر نمودن فرد برای دیگری، در صورتی جاری است که خروج وی از منزلش به اختیار و انتخاب وی باشد، نه ناشی از الزام مستأجر (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۵۴ و ر.ک: صاحب جواهر، بی تا، ج ۴۳، ص ۸۰) در اقدام ضابط قضایی نیز همراهی مجرم با وی، ناشی از دعوت و الزام ضابط قضایی است. در فرع دوم نیز علت ثابت نشدن ضمان، عدم همراهی فرد توسط دعوت کننده است (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۵۴) در حالی که ضابط قضایی، مجرم را همراهی می کند.

از سوی دیگر ممکن است ادعا شود انجام تکلیف قانونی توسط ضابط قضایی به مقتضای ادله ای چون «خطاء الحکام من بیت المال» یا «قاعده احسان» مانع ضمان وی می شود، بنابراین روایات دعوت شبانه شامل ضابط قضایی نمی شود.

به نظر می رسد این استدلال ناتمام است. توضیح آنکه روایات دعوت شبانه به مدلول مطابقی ضمان را برای دعوت کننده و به دلالت التزامی استناد فوت به وی را ثابت می کند هر چند این استناد تبعیدی باشد. اگر قائل شویم که ادله مذکور، مسئولیت پرداخت دیه را از عهده ضابط قضایی برمی دارد، نهایتاً مدلول مطابقی روایت الغاء می شود؛ ولی مدلول التزامی روایت یعنی استناد فوت به ضابط قضایی همچنان به قوت خود باقی است. به بیان واضح تر می توان گفت در مواردی که ضابط قضایی در چارچوب وظایف قانونی خود عمل کند و مسئولیت پرداخت دیه به مقتضای ادله یاد شده متوجه شخص مأمور نباشد، مسئولیت پرداخت بر عهده بیت المال خواهد بود و مدلول مطابقی روایت حجت نخواهد بود. باین حال، مدلول التزامی روایت - استناد آسیب به دعوت کننده - حجت است. اما چنانچه ضابط قضایی از چارچوب وظایف قانونی خود خارج شود، به دلیل اثبات استناد بر مبنای دلالت التزامی روایت و خروج از شمول «قاعده احسان» یا «خطاء الحکام» به علت عدم رعایت موازین قانونی، مشمول مدلول مطابقی روایت نیز خواهد شد و پرداخت دیه بر عهده او است.

بنابراین، موانع احتمالی از ناحیه تکلیف قانونی ضابط قضایی نمی تواند مانع

اطلاق روایت برای استناد فوت به وی گردد.

۲-۳. احتمال مانعیت تکلیف قانونی مجرم

صاحب جواهر معتقد است: «اگر دعوت کننده فرد را به جایی ببرد که حضور در آن مکان بر او متعین و واجب است، دعوت کننده ضامن نیست» (صاحب جواهر، بی تا، ج ۴۳، ص ۸۰) حال اگر در مورد مجرم نیز حضور نزد مقام قضایی، واجب باشد (ر.ک: ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری) اقدام ضابط قضایی برای انتقال وی به مکانی که حضور در آن واجب است، ضمان آور نخواهد بود.

به نظر می رسد فرمایش صاحب جواهر دارای دو فرض باشد؛ اگر شخص به اختیار خود قصد انجام واجب (حضور در آن مکان) را داشته باشد روایات دعوت شبانه از این فرض منصرف است، زیرا خروج از منزل به اختیار شخص بوده نه مستند به دعوت کننده اما اگر شخص قصدی برای انجام واجب نداشته باشد - مانند بسیاری از متخلفین - بردن وی توسط ضابط قضایی مشمول اطلاق روایت است، از این رو بعید است بتوان فرمایش صاحب جواهر را بر متخلفینی که خود قصد حضور نزد مقام قضایی را ندارند، تطبیق داد. بر این اساس موانع احتمالی از ناحیه تکلیف قانونی مجرم نیز نمی تواند مانع اطلاق روایت برای استناد فوت به ضابط قضایی گردد.

در مجموع می توان گفت هیچ یک از موانع احتمالی استناد فوت به ضابط قضایی ثابت نیست.

نتیجه گیری

در این نوشتار با بررسی سه مسئله یعنی «اعتبارسنجی روایات دعوت شبانه»، «گستره دلالت این روایات»، و «شمول آن نسبت به استناد فوت به ضابط قضایی»، نتایج زیر حاصل شد:

با وجود اشکالات مطرح شده درباره ضعف سند روایات دعوت شبانه، این پژوهش نشان داد که این روایات از اعتبار کافی برخوردارند. روایت عمرو بن ابی المقدم با استناد به توثیقات عام، معتبر است و ضعف سند روایت عبدالله بن میمون نیز به واسطه شهرت عملی فقها جبران می گردد، در صورت عدم پذیرش مبنای جبران ضعف سند، حداقل روایت اول معتبر بوده و عمل به آن لازم است؛

همچنین با توجه به قرابت مضمونی دو روایت، پذیرش یکی از دو روایت یا هر دو، تفاوتی در حکم مورد بحث ایجاد نمی‌کند.

مطالعه دقیق دلالت روایات دعوت شبانه حاکی از آن است که شبانه بودن فرایند دعوت و فقدان علم به استناد فوت به غیر دعوت‌کننده، دو رکن اساسی در تحقق ضمان دعوت‌کننده است. از این رو انظار فقهی مطرح شده که به نوعی قید «شبانه» را فاقد خصوصیت دانسته‌اند، مردود بوده و پذیرش حکم مشهور فقها در این زمینه لازم است. همچنین روشن گردید، ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) با افزودن قید «به طور مشکوکی» به متن قانون، از دقت لازم برخوردار نیست؛ در مقابل، ماده ۳۳۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) که فاقد این قید اضافی است، با مدلول روایات سازگار است.

در تحلیل شمول روایات نسبت به ضابطان قضایی، دو مانع احتمالی «تکلیف قانونی ضابط قضایی» و «تکلیف قانونی مجرم» از قوت کافی برخوردار نبوده و اطلاق روایت شامل ضابط قضایی نیز می‌شود، در نهایت چنانچه ضابط قضایی مطابق وظایف قانونی خود عمل کرده باشد، ممکن است برخی قواعد مانند «قاعده احسان» یا «خطاء الحکام» موجب رفع پرداخت ضمانت از عهده ضابط شود لکن دلالت التزامی روایت یعنی استناد فوت به ضابط باقی خواهد ماند.

فهرست منابع

۱. آقابابایی بنی، اسماعیل (۱۳۹۲، زمستان). دعوت شبانه و مسئولیت کیفری دعوت کنند. نشریه فقه، ۲۰ (۴)، ۲۳-۴۲.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۶۳ش). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مؤسسه نشر اسلامی.
۳. ابن غضائری، (بی تا). الرجال ابن غضائری. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۴. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق). المهدب البارع فی شرح المختصر النافع. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامی.
۵. تبریزی، جواد (۱۴۲۷ق). تنقیح مبانی الأحكام. قم: دار الصدیقة الشهيدة علیها السلام.
۶. جعفر بن حسن (محقق حلی) (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: اسماعیلیان.
۷. _____ (۱۴۱۲ق). النهاية و نکتها. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامی.
۸. حسن بن یوسف (علامه حلی) (۱۳۷۴ش). مختلف الشیعة فی احکام الشریعة. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مؤسسه نشر اسلامی.
۹. _____ (۱۴۰۲ق). رجال العلامة حلی. (بحر العلوم، محمدصادق، مصحح)، قم: الشریف الرضی.
۱۰. _____ (۱۴۱۰ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مؤسسه نشر اسلامی.
۱۱. _____ (۱۴۱۳ق). قواعد الأحكام. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مؤسسه نشر اسلامی.
۱۲. حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد (بی تا). مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۱۳. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۳ش). ترجمه تحریر الوسيلة. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۲ش). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة. بی جا، بی تا.
۱۵. _____ (۱۴۱۸ق). موسوعه الامام الخوئی. قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۶. زید بن علی (شهید ثانی) (بی تا). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. بی تا، بی تا.
۱۷. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۹ش). استفتائات (سبحانی). قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام.
۱۸. شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مؤسسه نشر اسلامی.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی) (۱۳۶۵ش). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۲۰. _____ (۱۳۸۷ق). المبسوط فی الفقه الامامیه. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.

۲۱. _____ (۱۴۰۰ق). *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى*. بيروت، دارالكتاب العربي.
۲۲. _____ (۱۴۲۷ق). *رجال الطوسي*. قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم مؤسسه نشر اسلامي.
۲۳. عاملی، محمد بن مکی (شهيد اول) (۱۴۳۰ق). *موسوعة الشهيد الأول*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي مرکز احیای آثار اسلامي.
۲۴. فاضل هندی، محمد بن حسن (کاشف اللثام) (۱۴۱۶ق). *کشف اللثام عن قواعد الأحكام*. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۵. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق). *أنوار الفقاهة*. نجف اشرف: مؤسسة کاشف الغطاء العامة.
۲۶. _____ (۱۴۳۲ق). *القواعد الستة عشر*. نجف اشرف: مؤسسة کاشف الغطاء العامة.
۲۷. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق). *اختیار معرفة الرجال*. قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷ش). *الکافی*. قم: مؤسسه علمی فرهنگي دارالحدیث.
۲۹. مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱). *مقیاس الهدایة فی علم الدرایة*. قم: مؤسسة آل البيت.
۳۰. محمد بن احمد (ابن ادريس) (۱۳۸۷ش). *موسوعة ابن ادريس الحلبي*. قم: دليل ما.
۳۱. محمدحسن بن باقر (صاحب جواهر) (بی تا). *جواهر الکلام*. بيروت: دار الاحیاء التراث العربي.
۳۲. مدنی کاشانی، رضا (۱۴۱۳ق). *کتاب اللدایات*. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
۳۳. مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید) (۱۴۱۰ق). *المقنعة*. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
۳۴. مقداد بن عبدالله (فاضل مقداد) (۱۴۰۴ق). *التنقيح الرائع لمختصر الشرايع*. قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.
۳۵. موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). *مهذب الاحكام في بيان الحلال و الحرام*. قم: السيد عبد الاعلی السبزواری.
۳۶. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). *رجال النجاشی*. قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم مؤسسه نشر اسلامي.
۳۷. پایگاه اطلاع رسانی کتاب نیوز (جست و جو برای: سروش محلاتی، قتل)، تاریخ دستیابی: ۱۵ شهریور ۱۴۰۳؛ ketabnews.com/fa/news/18155
۳۸. پایگاه اینترنتی مدرسه فقاها (جست و جو برای: سبحانی، مخرج لیل)، تاریخ دستیابی: ۲۰ دی <http://eshia.ir/Feqh/Archive/text/sobhani/feqh/90/910220>